

محبوب خدا  
درس ۵: محبت برگزینندهی خدا  
دکتر آر. سی. اسپرول

در جلسات قبل در حینی که مفهوم کتاب مقدسی محبت خدا رو کشف می‌کردیم، دیدیم که محبت خدا به عنوان صفتی از شخصیت و وجودش باید همیشه در ارتباط با همه‌ی صفات دیگه‌ی خدا درک بشه؛ و به عنوان مثال دیدیم که چطور محبت خدا محبتی جاودانه است؛ اینکه محبت خدا محبتی تغییرناپذیره؛ و اینکه محبت خدا محبتی وفاداره؛ محبتی پایدار! و به جنبه‌های مختلفی از این نگاه کردیم که چطور خصوصیات دیگر خدا به ما در درک طبیعت محبت او کمک می‌کنند.

امروز می‌خوام به جنبه‌ای از محبت خدا که به نوعی بحث برانگیزه نگاه کنیم؛ در واقع به بُعدی از محبت خدا که سوالاتی جدی در ذهن برخی افراد ایجاد میکنه و اونها فکر می‌کنند که این تفکر به نوعی تناقض با خود هست.

و حالا دارم درباره‌ی محبت برگزینندهی خدا یا به عبارت دیگه محبت حاکم خدا صحبت می‌کنم. همونطور که محبت خدا حاکم هست، به همین شکل حاکمیت مطلق خدا هم پر محبت‌ه!

و وقتی مقابل تعلیم کتاب مقدسی آموزه‌ی برگزیدگی قرار می‌گیریم، اونهایی که این آموزه رو می‌پذیرند، در اون اوج تجلی محبت ازلی خدا رو می‌بینند، در حالیکه افراد دیگه‌ای که در مقابل تفکر کتاب مقدسی برگزیدگی و از پیش برگزیدگی مقاومت می‌کنند، با این تفکر در این آموزه درگیر هستند و میگن کل این ایده که خدا از ازل برخی انسان‌ها رو برای نجات برگزیده، نه همه رو، نوعی جنبه‌ی تاریک شخصیت خدا رو منعکس می‌کنه که جوهره‌ی محبت او رو مبهم و تیره می‌کنه.

اما وقتی با تعلیم برگزیدگی در عهد جدید روبرو میشیم، اون رو به عنوان یک تفکر انتزاعی نمی‌بینیم؛ بلکه تفکری رو می‌بینیم که در محبت خدا تنیده شده و ریشه گرفته!

پس بیایید به نامه‌ی پولس به افسسیان نگاه کنیم، به باب اول، جایی که این مفهوم رو نشون میده. در باب یک آیه‌ی ۳، بعد از اینکه پولس خودش رو در قسمت درودها معرفی می‌کنه، اینطور میگه: «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسای مسیح که ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی در جای‌های آسمانی در مسیح. چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت، مقدس و بی‌عیب باشیم.»

که ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم به وساطت عیسی مسیح بر حسب خشنودی اراده‌ی خود، برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حبیب.»

حالا در این پاراگراف خیلی کوتاه، اونقدر مطلب وجود داره که ما رو هفته‌ها و هفته‌ها مشغول نگه داره، پس امروز وقتی به این اظهارات مقدماتی پولس رسول نگاه می‌کنیم، فقط می‌تونیم به سطح این امور بپردازیم و اون رو به صورت سطحی بررسی کنیم. اولین چیزی که می‌خوام درباره‌ی این متنی که خوندم بهش توجه کنید اینه که پولس درباره‌ی برگزیدگی صحبت می‌کنه؛ اینکه خدا انسان‌هایی رو انتخاب می‌کنه؛ و کلمه‌ای رو به کار می‌بره که مسیحیان بسیاری عادت دارند درباره‌اش سکوت کنند؛ یعنی از پیش برگزیدگی!

برای همین من مکررا به مردم میگم که اگر می‌خواهید ایمان مسیحی شما کتاب مقدسی باشه باید آموزه‌ای درباره‌ی از پیش برگزیدگی داشته باشید!

چون تفکر از پیش برگزیدگی از مارتین لوتر یا جاناتان ادواردز یا جان کالون یا آگوستین قدیس سرچشمه نگرفته؛ بلکه مفهوم از پیش برگزیدگی درست همینجا در صفحات کلام مقدس خدا یافت میشه.

این پولس هست که از اصطلاح از پیش برگزیدگی استفاده می‌کنه و این مفهوم رو اینجا معرفی می‌کنه. پس اگر می‌خواهیم کتاب مقدسی باشیم باید تصویری کلی در زمینه‌ی «از پیش برگزیدگی» داشته باشیم.

حالا به زمینه‌ای که پولس در اون این تفکر رمزآلود رو معرفی می‌کنه توجه کنید. نخست اینکه موضوع اصلی‌ای که باعث اظهارات پولس در اینجا میشه، به واژه‌ی «برکت» بر میگرده!

پولس این قسمت رو با ستایش عظمت فیض، جلال و رحمت خدا شروع می‌کنه. اولین کلماتش اینها هستنند: «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح.»

چرا اینطور خدا رو ستایش میکنه و میگه «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح»؟ چون خداست که چیکار کرده؟ «که ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی در جای‌های آسمانی در مسیح.»

او خدا رو متبارک میخونه، به عنوان پاسخی مستقیم به اینکه خدا ما رو برکت داده، و اون هم نه یه مقدار، بلکه «به هر برکت روحانی در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی.» دوباره میگم وقتی پولس اصطلاح «در مسیح عیسی» رو اضافه می‌کنه، همینجوری یه ضمیمه‌ای به متنش اضافه نمی‌کنه.

در مرکز درک پولس از محبت برگزیننده و حاکم خدا، این اصل وجود داره که این همیشه باید از منظر رابطه‌اش با خود مسیح فهمیده بشه.

حالا به چیزی که میگه گوش کنید؛ وقتی داره درباره‌ی این برکات روحانی صحبت می‌کنه؛ میگه: «چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید.»

پس به ما میگه که خدا با حاکمیت مطلق خودش، قومش رو انتخاب می‌کنه. اینجا «ما» داره به ایمانداران اشاره می‌کنه. «چنانکه ما را در او برگزید!» دوباره، در مسیح عیسی! کی؟ «پیش از بنیاد عالم» به چه منظور یا هدفی؟

«تا در حضور او در محبت، مقدس و بی‌عیب باشیم.» هدف «از پیش‌برگزیدگی» تقدیس شدن ماست! هدف برگزیدگی مطلقاً حاکمانه‌ی خدا اینه که از این انبوه انسان‌های سقوط کرده، ذریتی مقدس، گروهی فدی‌ه شده، بقیتی، که هدف اولیه‌ی خلقت رو محقق خواهد کرد، بسازه: هدف اولیه اینه که انسان‌ها قدوسیت خود خدا، شخصیت خود خدا رو منعکس کنند. یادتون باشه اولین حکمی که به ما داده میشه اینه که: «مقدس باشید، زیرا من قدوس هستم!»

اما ما مقدس نیستیم؛ ما ناپاکیم، گناهکاریم. و از ازل خدا به این نسل نگاه می‌کنه و از پیش فسادش رو میدونه، از پیش سقوطش رو میدونه، و نمی‌خواد این سقوط آخرین فصل خلقت باشه.

و برعکس، او با محبت عظیمی که با اون جهان رو محبت می‌کنه، معین می‌کنه که از میان این انسان‌های سقوط کرده، گروهی رو در مسیح عیسی فدی‌ه بده تا اونها اونطور باشند که بشر در ابتدا تعیین شده بود که باشه، یعنی: مقدس و بی‌عیب، در حضور او در محبت.

من فکر می‌کنم محبتی که داره اینجا درباره‌اش صحبت می‌کنه، محبت خدا نیست، بلکه محبت ماست؛ اینکه ما به عنوان قومی که به وسیله‌ی فیض خدا تقدیس شده باید قومی باشیم که خدا رو محبت می‌کنه و در حضور او در رابطه‌ای پرمحبت می‌ایسته؛ به جای اینکه رابطه‌ای توأم با دشمنی و خصومت با او داشته باشه.

یکی از سخت‌ترین مفاهیمی که میشه امروزه درباره‌اش با مردم گفتگو کرد اینه که انسان در طبیعت معمولی و سقوط کرده‌ی خودش، از خدا نفرت داره. حتی یک درصد از کسانی که بی‌ایمان هستند هم به این واقعیت اقرار نمی‌کنند. میگن: «خب، برام فرقی نداره» یا «واقعا به خدا باور ندارم» یا «من به ضد خدا نیستم»؛ اما دیدگاه کتاب مقدسی از وضعیت طبیعی انسان سقوط کرده، وضعیت بیگانگی، دشمنی و خصومت هست که در قلب انسان سقوط کرده نسبت به خدا در پیش هست.

اما اونهایی که فیض محبت حاکم مطلق خدا رو دریافت می‌کنند، خدا رو متقابلاً محبت می‌کنند. یعنی ما او رو محبت می‌کنیم، چون او اول ما رو محبت کرد! و این قدرت یا ظفر محبت خداست که بر دشمنی و بیگانگی ما پیروز میشه و ما رو به سوی او در وضعیت و رابطه‌ای محبت‌آمیز بر می‌گردونه.

پس ما در مسیح انتخاب شدیم و باید در محبت در حضور او حاضر بشیم؛ و به آیه‌ی ۵ گوش کنید: «که ما را از قبل تعیین نمود» حالا برای چی؟ «فرزندخواندگی»!

ما از پیش تعیین شدیم که در خانواده‌ی خدا به فرزندخواندگی پذیرفته بشیم. این زیبایی محبت برگزیننده و حاکم هست. این محبتی خانوادگیه. این محبتیه که به سوی دشمنان سقوط کرده‌ی خدا نزول می‌کنه.

همون طور که قبلاً دیدیم این محبتی مثل محبت داوود نسبت به مغیوشت هست؛ اینکه خدا به خاطر محبتی که به مسیح داره، ما رو محبت می‌کنه و به فرزندخواندگی در خانواده‌اش می‌پذیره. حالا، واژه‌ی کلیدی اینجاست: «تا او را پسر خوانده شویم به وساطت عیسی مسیح.» در تمام این متن رابطه‌ی برگزیدگی رو با مسیح می‌بینید؟ چون در درجه‌ی اول، هدف محبت برگزیننده و حاکم خدا من و شما نیستیم؛ بلکه عیساست. عیسی شخص برگزیده‌ی برتره.

او محبوب پدره. و برگزیدگی ما همیشه باید از این نظر که در او برگزیده شدیم، درک بشه؛ درست همونطور که با محبت پدر در او فرزندخوانده شدیم.

حالا به عبارت بعدی دقت کنید: «بر حسب خشنودی اراده‌ی خود.» یکی از متداول‌ترین ایرادهایی که افراد به ضد آموزه‌ی کتاب مقدسی برگزیدگی عنوان می‌کنند، این تفکره که خدا از ازل تصمیم می‌گیره برخی رو به فرزندخواندگی انتخاب کنه، در حالیکه از بقیه رد میشه.

شکایت معمولی که پولس باید در رومیان باب ۹ باهش روبرو می‌شد اینه که این آموزه، ناعدالتی خاصی رو در خدا نشون میده، اینکه خدا بی‌انصافه.

اما از ازل خدا به پایین نگاه می‌کنه و نسلی از انسان‌ها رو می‌بینه که همگی به ضد او هستند، نسبت بهش بیگانه‌اند، ازش متنفرند، و بعضی از این افراد رحمتش رو دریافت می‌کنند، فیض رو دریافت می‌کنند. از بقیه رد میشه و اونها عدالت رو دریافت می‌کنند.

این افراد دقیقا چیزی رو که لیاقتش رو دارند دریافت می‌کنند؛ در حالیکه این افراد رحمت می‌یابند.

دوباره، وقتی پولس در رومیان باب ۹ داره اینو تعلیم میده، این اعتراض متداول رو پیش‌بینی می‌کنه که میگن: «این منصفانه نیست!» و پولس میگه: «آیا نزد خدا بی‌انصافی است؟ حاشا!»

چون ما اینطور فکر می‌کنیم که اگر همه گناهکارند، و خدا تصمیم می‌گیره بعضی رو نجات بده، پس باید همه رو نجات بده! وقتی اینطور فکر می‌کنیم، در واقع فیض رو اصلا درک نکردیم! چون فکر می‌کنیم فیض چیزیه که خدا باید نشون بده؛ چیزیه که مردم لیاقتش رو دارند!

خب، اگه لیاقتش رو دارند، دیگه فیض نیست. اگر شایستگی‌اش رو دارند دیگه رحمت نیست. جوهره‌ی رحمت در این ویژگی یافت میشه که کسی شایستگی و لیاقتش رو نداره!

پس اگر خدا یک گناهکار رو نجات بده، هیچ وظیفه‌ای نداره که بقیه رو هم نجات بده! ما اینو می‌فهمیم. حتی در سیستم بخشندگی انسانی ما، اگر فرماندار یا رئیس جمهور تصمیم می‌گیره تو شرایطی به کسی بخشش عطا کنه، وظیفه‌ای نداره که همه‌ی زندانیان رو از زندان آزاد کنه.

این گروه عدالت دریافت می‌کنه، این گروه رحمت دریافت می‌کنه، هیچکس ناعدالتی دریافت نمی‌کنه! اما باز این سوال مطرح میشه که خب، چرا خدا فیضش رو به بعضی میده و به بعضی نمیده؟

پس باید به این خاطر باشه که اونهایی که فیض رو دریافت کردند، کاری کردند که به دستش آوردند؛ اونها کاری کردند که گروه دیگه نکردند. متداول‌ترین تفکر اینه که خدا فیضش رو به همه‌ی این افراد پیشکش می‌کنه، بعد اونهایی که پاسخ مثبت بهش میدن، اونو دریافت می‌کنند، و اونهایی که اون فیض رو پس می‌زنن از دستش میدن؛ پس در بررسی نهایی، تصمیم نهایی بر عهده‌ی این افراد در این پایینه، نه خدا!

و این دقیقاً مخالف چیزیه که پولس رسول در رومیان باب ۹ و حتی اینجا تلاش میکنه بیان کنه! خدا بر چه اساسی این گزینش رو انجام میده؟ خب، اگر بر اساس کاری که ما انجام میدیم نیست، اگر دلیل برگزیدگی ما در ما یافت نمیشه - بر خلاف چیزی که اکثراً دوست دارند باور کنند که دیگه این رو عملی از روی فیض نمیکنه - اونوقت اتهامی که به خدا میزنن این نیست که خدا بی‌انصافه، بلکه داره مستبدانه عمل می‌کنه.

اینکه خدا بوالهوسه؛ یا با انسان‌ها تاس بازی می‌کنه. خب، آیا کلام خدا اصلاً دلیلی ارائه میده که چرا خدا بعضی افراد رو انتخاب می‌کنه؟

بله، همینجا بیان میکنه! و چیزی که میگه اینه که خدا این تصمیم رو برای اهداف فیضش میگیره «بر حسب خشنودی اراده‌ی خود»!

درک این قسمت سخت‌ترین کار برای ماست! چون ما میخوایم بر اساس اراده‌ی ما این تصمیم گرفته بشه! اما نجات ابدی با اراده‌ی خدا تعیین شده!

و دوباره این اتهام میاد که خب اگر در ما نیست، پس خدا داره مستبدانه عمل می‌کنه. اما خانومه‌ها و آقایون، برای اینکه کاری به شکلی مستبدانه انجام بشه باید بی‌دلیل انجام بشه؛ باید نامعقول انجام بشه، دمدمی مزاجانه یا بوالهوسانه انجام بشه.

خدا هیچ وقت کاری نامعقول انجام نداده؛ خدا هرگز از ازل بوالهوس یا دمدمی مزاج نبوده. او مستبد بودن رو نمی‌شناسه. و فقط به این خاطر که دلیل نجات یافتنم در خودم نیست، به این معنا نیست که دلیلی برای نجاتم وجود نداره. ۱۷:۴۰

چی میشه اگه خدا برای نشون دادن جلالش، برای حرمت گذاشتن به عمل کامل پسرش، تصمیم گرفته باشه که از میان انسان‌های سقوط کرده، گروهی رو انتخاب کنه که به عنوان هدیه به پسرش پیشکش کنه؟

دقت کنید که در عهد جدید چند بار عیسی درباره‌ی کسانی صحبت می‌کنه که پدر به او عطا کرده! و از تمام کسانی که پدر به او بخشیده، حتی یک نفر هم گم نخواهد شد! همه‌ی کسانی که پدر به مسیح می‌بخشه، نزد مسیح میان.

چون این خشنودی اراده‌ی خداست! حالا دوباره؛ از یک جهت روح القدس به یاری ناتوانی ما میاد تا با صحبت از خشنودی نیکوی اراده‌ی خدا ما رو واجد شرایط این عبارت کنه که از خشنودی اراده‌ی خدا صحبت میکنه.

این باید به عنوان چیزی اضافی دیده بشه؛ باید به عنوان چیزی کاملا غیرضروری دیده بشه. چون خدا دیگه چه نوع خشنودی‌ای در اراده‌اش داره؟ آیا هرگز موردی بوده که خشنودی اراده‌ی خدا، یک خشنودی شیرینانه باشه؟ البته که نه!

تنها نیکویی هست که خدا رو خشنود می‌کنه! تنها خشنودی‌ای که خدا در اراده‌اش داره انجام کار درسته! پس اینجا در متن به ما یادآوری میشه که خدا بر حسب اراده‌ی خودش، بر حسب خشنودیش که خشنودی‌ای نیکوست، انتخاب می‌کنه. به همین خاطر که من به دوستانم که با این موضوع درگیر هستند هشدار میدم که: مراقب باشید وقتی به خدا نگاه می‌کنید و می‌گید: «این منصفانه نیست!» یا وقتی به خدا نگاه می‌کنید و می‌گید: «خدایا، باید مشکلی داشته باشی که اینطور داری رحمت رو آشکار می‌کنی.» جایی که باید شادی کنیم در نیکویی این محبت برگزیننده و حاکم. و در عبارت بعدی اینطور می‌گه: «برای ستایش جلال فیض خود!»

من تا حالا ندیدم کسی که به آموزه‌ی کتاب مقدسی برگزیدگی باور داشته باشه، این رو به عنوان بلیت یا مجوزی برای تکبر ببینه. بعضی فکر می‌کنند واکنش ما اینه که می‌گیم: «خب، من جزو برگزیدگان محسوب شدم؛ خب باید هم اینطور باشه!» باز می‌گم، اگر این آموزه رو درک می‌کنید، میدونید که مطلقا هیچی از خودتون ندارید که بهش فخر کنید.

ولی وقتی محبت برگزیننده و حاکم خدا رو درک می‌کنید، چیزی که ستایش می‌کنید جلال فیض خداست. ما سرود «فیض شگفت‌انگیز» رو می‌خونیم، انگار که فیض ما رو شگفت‌زده کرده؛ ولی در واقع قدرش رو نمی‌دونیم. و قطعاً نه تنها انتظار بیش از حد از فیض داریم بلکه مطالبه‌اش می‌کنیم و اینطور شگفت‌انگیزی یا حیرت‌انگیزیش رو کاملا ازش بر می‌داریم.

اما کسانی که درک می‌کنند که نجات‌شون تنها و تنها متکی بر محبت حاکم مطلق خداست، سرودهای ستایش در وصف رضایت پر جلال فیض و رحمت خدا سر میدن.

همونطور که رسولان می‌گفتند: «عزیزان! چه نوع محبت پدر به ما داده است تا فرزندان خدا خوانده شویم.»

و در نهایت، در پایان این پاراگراف نوشته: «که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حبیب.» می‌بینید، محبت برگزیننده و حاکم خدا افراد رو تعیین می‌کند که در مسیح باشند؛ و با پذیرفتن ما در مسیح، ما رو در حضور خدا قابل پذیرش می‌کند؛ نه به خاطر عدالتی که در ما می‌بیند، بلکه عدالتی که در مسیح که محبوبش هست می‌بیند؛ و به همین دلیل هست که عادل‌شمردگی ما تنها و تنها به وسیله‌ی ایمانه؛ که عادل‌شمردگی‌مون تنها و تنها متکی بر عدالت مسیحه!

تنها راهی که خدا کسی رو نجات می‌ده در آن محبوب هست؛ که هدف افضل محبت خداست. اینطور ادامه می‌ده: «که در وی..» یعنی در مسیح، «به سبب خون او فدیة یعنی آمرزش گناهان را به اندازه‌ی دولت فیض او یافته‌ایم. که آن را به ما به فراوانی عطا فرمود در حکمت و فطانت. چونکه سر اراده‌ی خود را به ما شناسانید، - دوباره: - برحسب خشنودی خود که در خود عزم نموده بود.»

هدف از این کار، ستایش جلال فیض خداست. و همه‌ی کسانی که محبت حاکم مطلق خدا و نجات جان‌هاشون رو تجربه کردند تمام ابدیت رو در وصف جلال این فیض سرود خواهند خواند.